

تپ‌شناسی‌های شخصیت

و

نظام‌های روان‌درمانی

نوشته‌ی دکتر بیتا حسینی

انتشارات جنگل

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : تیپ‌شناسی‌های شخصیت در نظام‌های روان‌درمانی/ بیتا حسینی.
مشخصات نشر : تهران: جنگل، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری : ۴۰۸ ص.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۱-۹۴۶-۴
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
موضوع : تیپ‌شناسی
موضوع : شخصیت‌سنجی
موضوع : روان‌درمانی
رده‌بندی کنگره : ۱۲۹۱: ۵۲/۳ BF۶۹۸
رده‌بندی دیویی : ۱۵۵/۲۶۴
شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۲۷۷۸۸

سازمان
جنگل

عنوان کتاب: تیپ‌شناسی‌های شخصیت در نظام‌های روان‌درمانی

نوشته‌ی: دکتر بیتا حسینی

ناشر: انتشارات جنگل، جاودانه

ناظر فنی: امین لشکری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۱

قطع و تیراژ: وزیری، ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ ریال با جلد نفیس

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۱-۹۴۶-۴

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۶۱۱۵-۹-۶۶۴۸۲۸۳۰ [http:// www.junglepub.org](http://www.junglepub.org)

email:// Info@junglepub.org ۰۳۱۱-۳۲۰۵۰۶۷-۳۲۰۳۸۰۰-۹

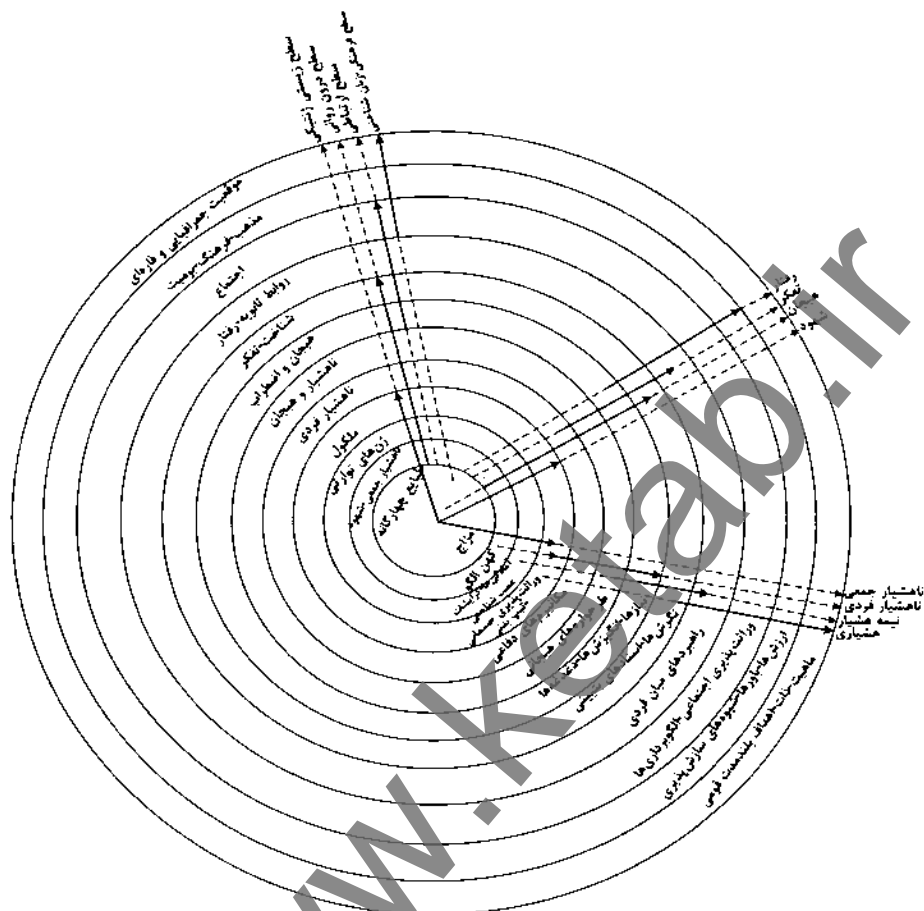
«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

آرایی کتاب

- تیپ‌شناسی‌های شخصیت در نظام‌های روان درمانی، به کاوش در اصولی می‌پردازد که هر سیستم درمانی، پیرامون تحول و گوناگونی شخصیت‌ها مطرح کرده است. مطالعه‌ی این نوشته علاوه بر تواناسازی خواننده به تشخیص افتراقی میان تیپ‌شناسی‌های گوناگون، اطلاعات نظری قدرتمند و نوینی را نیز بدست می‌دهد.

چنانچه شخصیت آدمی را متشکل از لایه‌های چند در نظر بگیریم، داخلی‌ترین لایه می‌تواند ژرف‌ترین لایه‌ی روان تلقی شود: درونی‌ترین لایه‌ی شخصیت، ژرف‌ترین سطح آگاهی روان را در برمی‌گیرد و بیرونی‌ترین مدار، آشکارترین سطح روان- یعنی رفتار- را. بر اساس همین فرضیه، نویسنده «طرح دوایر هم‌مرکز» را ارائه و فصول این نوشته را نیز به همان ترتیب آورده است؛ چیدمان کتابی که در دست دارید به ترتیب از عمیق‌ترین لایه‌ی شخصیت (فصل دوم) آغاز و به بیرونی‌ترین لایه (فصل آخر) ختم خواهد شد.^۱

۱. غالب دانشجویان روانشناسی و مشاوره در تشخیص افتراقی میان واحدهای سازنده‌ی شخصیت با دشواری مواجهند. درک، شناسایی و تمایزگذاری میان واحدهایی چون خلق، خصیصه، مزاج، گرایش، نگرش، شهود و... همواره در شخصیت‌شناسی یک دغدغه‌ی تئوریک به شمار می‌آمده و به همین سبب جایگاه نوشته‌ای در این زمینه خالی به نظر می‌رسید. کتابی که در دست دارید در حقیقت مکمل کتاب «مبانی شخصیت در روان‌درمانی» است. مبانی شخصیت در روان‌درمانی، واحدهای سازنده‌ی شخصیت را یک به یک و به‌طور مجزا مورد تعریف و بررسی قرار می‌دهد. به همین دلیل می‌توان آن را پیش‌نیازی برای درک نوشته‌ی حاضر دانست. آرایی دو کتاب مذکور به‌گونه‌ای طراحی شده که در کتاب مبانی، خواننده با مفاهیم تئوریک واحدهای شخصیت آشنا می‌شود و در نوشته‌ی مکمل، پیوند میان مفاهیم سابقاً آموخته شده را مشاهده می‌کند. طرح دوایر هم‌مرکز مبانی چنینش هر دو کتاب است؛ «تیپ‌شناسی‌های شخصیت در نظام‌های روان‌درمانی» مؤلفه‌ی سومی را به طرح دوایر هم‌مرکز اضافه می‌کند: این مؤلفه، تیپ‌شناسی بر اساس مفروضات هر رویکرد درمانی‌ست که به بخش‌های سازنده‌ی روان و منش در هر لایه از طرح اضافه شده است.



طرح دوایر هم‌مرکز در لایه‌های روان و واحدهای شخصیتی؛ ارائه شده توسط نویسنده

- طرح دوایر هم‌مرکز که ملاحظه می‌کنید مبنای چینش عناصر این کتاب را بنیان‌گذاری کرده است: اخلاط چهارگانه فصل دوم، ناهشیار جمعی فصل سوم، ژنتیک و ریخت‌شناسی جسمانی فصل چهارم، ناهشیار فردی فصل پنجم و...
- فصل نخست به مبانی تئوریک در مقوله‌ی تیپ‌شناسی می‌پردازد و تعریف، فواید، ویژگی‌ها و طبقه‌بندی رده‌ها را در تیپ‌شناسی مورد بحث قرار می‌دهد. فصل بعدی با عنوان شخصیت بر مدار طبیعت‌های چهارگانه، بر این بنیان استوار گردیده که عناصر چهارگانه‌ی طبیعت (آب، آتش، خاک و هوا) در طبیعت آدمی نیز رخنه دارند و غلبه‌ی هر عنصر، خلق و خوی ویژه‌ای را بر شخصیت‌ها حاکم می‌سازد. در این قسمت پس از

گذر از طبایع چهارگانه، به ستاره‌شناسی و چرخه‌ی درمانی استورم اشاره می‌شود. ستاره‌شناسی، و تاروت، با ریشه در کارها و علائق شخصی یونگ به روانشناسی مرتبط شده‌اند و هم‌اکنون نیز در روان درمانی‌های مغرب و مشرق زمین به طور گسترده‌ای اقبال یافته‌اند. روان درمانی آیورودا و روان درمانی چاکرامدار از انواع کاربردی و پراتیک درمان‌های نوین به شمار می‌روند که البته قدمتی دیرینه دارند. فرضیه‌های بنیادین روان درمانی‌های مذکور، به قدری شگفت‌انگیزند که آدمی با اطلاع یافتن از آن‌ها، پیرامون تفاوت‌های شخصیتی، حس نوینی را تجربه خواهد کرد.

- فصل سوم پس از گذر از ناهشیار جمعی یونگ، بر هفت نظریه‌ی پس یونگی جالب اشاره می‌کند که کمتر مورد بحث قرار گرفته‌اند: سیاهه‌ی مایر-بریگز، تیپ‌شناسی بنزیگر، نظریه‌ی چهار گرایش دیندکرس، مدل پنج عاملی، مدل DISC، کهن الگوهای مردانه‌ی موری و جیل و کهن الگوهای زنانه‌ی بولن. مدل‌های هفت‌گانه‌ی مذکور که جملگی خاستگاه یونگی دارند، در این فصل مورد فراسونگری نیز قرار می‌گیرند.

- فصل چهارم به نقش ژنتیک و وراثت‌پذیری جسمانی در شکل‌گیری تیپ‌های شخصیتی می‌پردازد. به گفته‌ی بسیاری، شخصیت می‌تواند از کرانه‌ی ملکول تا کرانه‌ی فرهنگ گستره داشته باشد و این فصل به نظریه‌ی ملکولی و تیپ‌شناسی‌های جسمانی می‌پردازد. عقاید شلدون به طور مختصر مورد بحث قرار می‌گیرند و سپس نوبت به ویلیام رایش نایفه می‌رسد. رایش در مکتوبات فارسی زبان، اقبال اندکی داشته و عقایدش مورد شرح و بررسی جدی قرار نگرفته‌اند. در این بخش از کتاب، مفاهیم بنیادین ویلیام رایش به طور نسبتاً مبسوطی مورد پردازش قرار گرفته و بررسی شخصیت، حلقه‌های گرفتگی در بدن، روان درمانی بدن محور، شش موضع شخصیتی و درمان هر یک از مواضع مفاهیمی هستند که تحلیل خواهند شد.

- شخصیت برمدار ناهشیار فردی، عنوان فصل پنجم این نوشته را به خود اختصاص داده است. فصل پنجم به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود: درمان‌های تحلیلی و درمان‌های پویایی. در قسمت درمان‌های تحلیلی، رویکردهای سه‌گانه در نظام تحلیل (توصیفی، پویایی و ساختاری) مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند و در درمان‌های پویایی، پس از

گذر از نظریه‌های دلبستگی و ابژه، به طبقه‌بندی کرنبرگ پرداخته می‌شود. اتوکرنبرگ شخصیت‌های پاتولوژیک را به سه گروه روان‌نژند، مرزی و سایکوتیک طبقه‌بندی کرده و برای درمان هر گروه راهکارهای نظام‌مند و مفیدی به دست داده است. او با هدف تشخیص اولیه، سه مؤلفه‌ی اصلی را در نظر می‌گیرد: سطح رشد ایگو، میزان سازگاری کلی و مرحله‌ی تثبیت‌شدگی روانی - جنسی.

- در فصل ششم به درون‌مایه‌های هیجان و اضطراب توجه شده: شخصیت آدمی از هیجانات عمیق و دغدغه‌های درونی‌اش تأثیر می‌پذیرد. از این رو، نظریه‌ی هیجان و نظریه‌های وجودی در این بخش مجال بیان یافته‌اند. در قسمت اضطراب، به انواع تیپ‌شناسی‌های مطرح در مکتب انسان‌گرایی اشاره می‌شود و طبقه‌بندی تیپ‌های شخصیت بر اساس پویایی‌های وجودی مورد بحث قرار می‌گیرند. و اما در بخش مربوط به هیجان، علاوه بر اشاره به تیپ‌شناسی و هیجان‌محوری نظریه‌ی گشتالت، مفاهیم تئوریک مهمی در خصوص شناسایی و پردازش هیجانات مطرح می‌گردد؛ که با وقوف نسبت به آن‌ها می‌توان اثربخشی درمانی را به مراتب افزایش داد.

- کانون تمرکز فصل هفتم، شناختواره است. این فصل پس از شرح اجمالی مفاهیم تفکر محور در نظریه‌های الیس، بک و یانگ، به گونه‌ای بسیار جالب به رابطه‌ی انواع تفکرات غیرمنطقی با اختلالات گوناگون شخصیتی می‌پردازد. در ادامه، مدل تلفیقی نظریه‌های شناختی با طرحواره درمانی عنوان می‌گردد و سرانجام سبک‌های یادگیری و استفاده از نیمکره‌های راست و چپ در تیپ‌های شخصیتی مورد بحث قرار می‌گیرند.

- یکی از پرمحتواترین فصول کتاب، فصل درمان‌های میان فردی است: شخصیت بر مدار روابط ثانویه؛ فصل هشتم پنج نظریه‌ی مهم میان فردی را به تفصیل مورد بحث قرار داده است: نظریه‌ی کارن هورنای، تحلیل ارتباط محاوره‌ای، نظریه‌ی تیبر، نظریه‌ی بنجامین و طرحواره‌ی انیگرام. در هر یک از نظریه‌های مذکور ارتباط مفاهیم بنیادین نظریه با تیپ‌های شخصیتی گوناگون مورد بحث قرار می‌گیرد. طرحواره‌ی نه مؤلفه‌ای انیگرام، تیپ‌شناسی شخصیتی بسیار جالبی است که امروزه در روان‌درمانی‌های شخصیت مدار، توجه روزافزونی را به خود اختصاص داده. در این فصل رابطه‌ی انیگرام با

سبک‌های دلبستگی و طر حوارها عنوان می‌شود که مبحثی ست بسیار جالب و آموزنده.

- فصل پایانی کتاب (فصل نهم) به تأثیر اجتماع و فرهنگ بر شکل‌گیری و تحول شخصیت می‌پردازد. عقاید آلفرد ادلر و آلبرت بندورا پیرامون اثرپذیری اجتماعی، در این بخش مورد شرح قرار می‌گیرند و در این میان، به شیوه‌ی شکل‌گیری اختلالات گوناگون شخصیتی در جوامع ناهم‌اند نیز پرداخته می‌شود.

- هدف از نوشتن این کتاب در وحله‌ی نخست برجسته ساختن بیش از پیش اهمیت تیپ‌شناسی‌های شخصیت در روان‌درمانی بوده است. درمان اختلالات روان‌بدون آشنایی و تشخیص لاقل نسبی تیپ شخصیتی درمان‌جو، سرایی بیش نیست. چرا که تنها با گذر از درون‌مایه‌های ذاتی و اکتسابی شخصیت است که می‌توان به کشف شیوه‌های انگیزش‌دهی، مداخله‌گزینی، هدف‌آفرینی و به طور کلی برقراری اتحاد درمانی قدرتمند با هر درمان‌جوی خاص امید بست. این برای دانشجویان مشاوره و روان‌شناسی یک ضرورت است که بتوانند از میان جنگل انبوه تیپ‌شناسی‌های گوناگون، به درک یکپارچه و عمیقی نایل شده، راه خود را پیدا کنند. اندیشه‌ورزی پیرامون همپوشی‌های نهفته و آشکاری که میان تیپ‌شناسی‌های شخصیت در نظام‌های گوناگون درمانی وجود دارد، هدف دیگر این مجموعه بوده است. ضمناً نوشته‌ای که در دست دارید می‌تواند در خصوص پژوهش‌آفرینی برای دانشجویان نیز مفید باشد.

در پایان نظر بر اینکه یکی از معانی هنر، گویا کردن زیبایی‌های خاموش است بر آن بوده‌ام تا در این کار ضمن اشاره به مفاهیم تئوریک، بر شخصیت و شخصیت‌شناسی فراسونگری کنم؛ اینکه اساساً چرا شخصیت‌شناسی می‌کنیم با اهمیت تراز چگونگی آن است و تا زمانی که زمینه گویا نباشد، توجه صرف به شکل، نتیجه‌ای جز اطلاعات سطحی بدست نخواهد داد. در سرتاسر نوشته تلاش بر این بوده است تا ذهن خواننده به بافتار گسترده‌تری از مفاهیم صرفاً تئوری مزین گردد. امید است ما روان‌شناسان که کانون وسعت‌آفرینی و راست قامت‌سازی روان تلقی می‌شویم، خود در مسیر تجربه‌ی روزافزون توازن روانی گام برداریم.

فهرست مطالب

۱	درباره‌ی تیپ‌های شخصیت
۷	فصل اول: تیپ‌شناسی‌های شخصیت
۱۰	تیپ‌شناسی‌های شخصیت و فواید تیپ‌شناسی
۱۷	کار بست سودمند
۲۱	طبقه‌بندی رده‌های تیپ‌شناسی
۲۴	تیپ‌شناسی‌های توصیفی در مقابل سببی
۲۶	تیپ‌شناسی‌های باز در مقابل بسته
۲۸	تیپ‌شناسی‌های ایستا در برابر انعطاف‌پذیر
۳۱	تیپ‌شناسی‌های روانی در مقابل جسمانی
۳۲	تیپ‌شناسی‌های سبک شناختی در مقابل آسیب‌شناختی
۳۴	تیپ‌شناسی‌های رهنمودی در مقابل غیر رهنمودی
۳۵	ویژگی‌های یک تیپ‌شناسی کارآمد
۳۷	۱- کار بست درمانی را تسهیل نماید
۳۷	۲- قانع‌کننده، قدرتمند و مستدل باشد
۳۷	۳- تکرار تیپ‌شناسی‌های معتبر قبلی با واژه‌شناسی جدید نباشد
۳۷	۴- دارای انسجام باشد
۳۷	۵- دارای کارکرد تبیینی باشد
۳۸	۶- دارای قابلیت پیشگویی باشد
۳۸	۷- مولد راهبردهای درمانی باشد
۳۸	۸- قابلیت پذیرش انسانی را افزایش دهد
۴۱	فصل دوم: شخصیت بر مدار طبیعت‌های چهارگانه
۴۴	طبیعت چهارگانه
۴۷	آتش
۴۸	هوا
۴۸	آب
۴۸	خاک
۴۸	ستاره‌شناسی

۵۰	چرخه‌ی درمانی استورم
۵۲	بازنمایی‌های اولیه‌ی اخلاط چهارگانه به عنوان یک مدل شخصیتی
۵۶	سیستم آیورودا
۵۷	ساتوا (خرد)
۵۷	راجاس (عاطفه)
۵۷	تاماس (رکود)
۵۸	تیپ‌های شخصیتی بر اساس هفت‌چاکرا
۵۹	۱- مولادهارا (srt)
۵۹	۲- سوادستانا (srt)
۵۹	۳- مانیپورا (srt)
۶۰	۴- آنهاتا (srt)
۶۰	۵- ویشودها (srt)
۶۰	۶- آجنا (srt)
۶۱	۷- ساهاسرا (srt)
۶۱	* تیپ شخصیتی عجیب غریب و گوشه‌گیر (st)
۶۲	یکپارچه‌سازی آیورودا با روان‌درمانی
۶۴	روان‌درمانی آیورودیک
۶۷	طبیعت‌های چهارگانه در سیستم یونگ
۶۹	فصل سوم: شخصیت بر مدار ناهشیار جمعی
۷۲	ساختار شخصیت از دیدگاه یونگ
۷۵	تیپ‌شناسی یونگی
۷۸	چهار تیپ اصلی
۸۱	• تیپ‌های قضاوتگر و ادراکی
۸۲	• برون‌گرایی و درون‌گرایی
۸۵	• کنش‌کهنتر و برتر
۸۶	متعادل‌سازی کارکردها (کنش‌ها)
۸۷	تحولات و انتقادات پیرامون تیپ‌شناسی یونگی
۸۹	سیاهه‌ی شخصیتی مایر-بریگز
۹۵	کاترین بنزیگر (جعلی‌سازی تیپ‌ها و نظریه‌ی تیپ مغزی)
۱۰۰	دیوید کیرسی: نظریه چهارگرایشی مرتبط با تیپ‌ها

۱۰۲.....	مدل پنج عاملی
۱۰۵.....	مدل DISC
۱۰۶.....	مدل خدایان زنانه‌ی شیندابولن
۱۰۹.....	مدل کهن الگوهای مردانه‌ی موری و جیل
۱۱۲.....	انتقاداتی پیرامون نظریه‌ی یونگ
۱۱۳.....	هیلمن (سبک‌گرای تندرو)
۱۱۴.....	کاربردهای اجتماعی و سیاسی نظریه‌ی یونگ
۱۱۷.....	فصل چهارم: شخصیت بر مدار ژنتیک و ریخت‌شناسی جسمانی
۱۲۱.....	تیپ‌های بدنی شلدون
۱۲۶.....	ویلیام رایش: روان‌درمانی بدن محور
۱۲۷.....	حلقه‌های گرفتگی در مناطق هفت‌گانه‌ی بدن
۱۲۸.....	توان جنون‌آسا
۱۳۰.....	روان‌درمانی بدن محور
۱۳۴.....	تعریف ساختار شخصیت از نظر رایش
۱۳۵.....	۱- ساختار اسکیزوئید
۱۳۵.....	۲- ساختار دهانی
۱۳۶.....	۳- ساختار سایکوپات (جامعه ستیز)
۱۳۶.....	۴- ساختار مازوخیست
۱۳۶.....	۵- ساختار خشک
۱۳۸.....	جنبه‌های بدنی شخصیت از نظر رایش
۱۴۴.....	جنبه‌های اجتماعی شخصیت
۱۴۵.....	شخصیت به عنوان نیرویی خلاق
۱۴۶.....	تحولات بعدی در نظریه‌ی شخصیت رایش
۱۴۸.....	تیپ‌های شخصیتی از نظر گاه مکاتب گوناگون رایشی و پس رایشی
۱۵۰.....	درمان شخصیت از نظر گاه رایش
۱۵۰.....	مواضع شش‌گانه‌ی شخصیتی در دیدگاه رایش
۱۵۱.....	۱- موضع فاصله‌جو (اسیکزوئید، بصری، حساس، تحلیلگر)
۱۵۲.....	۲- موضع دهانی (وابسته/مهرطلب؛ خودپشتوان)
۱۵۶.....	۳- موضع کنترل‌گر (جامعه ستیز، رها و بی‌تعهد، جذاب، اغواگر، پرهیت، طغیانگر)
۱۵۸.....	۴- موضع نگهدارنده (مقعدی، بازدارنده، خودآزار، تحمل افراطی)

۱۶۰	۵- موضع فشار طلب (آلتی، سختکوش- متمرکز، حمله‌کننده، فشارآورنده).....
۱۶۳	۶- موضع بحران جو (هیستریک، نمایشی، چسبنده، عاطفی، برون‌ریزی شدید).....
۱۶۷	فصل پنجم: شخصیت بر مدار ناهشیار فردی.....
۱۷۲	رویکردهای روان تحلیلی.....
۱۷۳	۱- سطوح هشیاری.....
۱۷۳	۲- نحوه تعامل میان ساخت‌های شخصیتی.....
۱۷۳	۳- مکانیزم‌های دفاعی رایج.....
۱۷۳	۴- سطوح انرژی لیبیدویی و شیوه استفاده از تسکین.....
۱۷۴	۵- تثبیت‌شدگی در هر یک از مراحل رشد روانی- جسمی (فروید، ۱۸۹۶).....
۱۷۴	رویکردهای سه‌گانه در نظام روان تحلیلی.....
۱۷۵	منش و نشانه.....
۱۷۶	۱- رویکرد توصیفی.....
۱۷۹	لکان.....
۱۷۹	۲- رویکرد پویایی.....
۱۸۸	نظریه‌ی سائق.....
۱۸۹	۳- رویکرد ساختاری.....
۱۹۳	خصیصه‌های منفی.....
۱۹۳	خصیصه‌های مثبت.....
۱۹۴	اریک اریکسون.....
۱۹۶	اریک فروم.....
۱۹۷	تکنیک‌های درمان روان تحلیلی.....
۱۹۹	نظریه‌ی تحلیلی ایگو.....
۱۹۹	آنا فروید.....
۲۰۱	رویکردهای روان‌پویشی.....
۲۰۳	الگوهای دلبستگی.....
۲۰۴	مکتب روابط ابژه‌ای.....
۲۰۵	نظریه‌ی روابط ابژه‌ای.....
۲۰۶	چارچوب مفهومی در نظریه‌ی روابط ابژه‌ای.....
۲۰۶	دو نیمه‌سازی و همانندسازی فراقکنانه.....
۲۰۹	شرح کیس در مورد همانندسازی فراقکنانه.....

۲۱۱.....	دل‌بستگی و جدایی.....
۲۱۲.....	محیط‌های حمایتگر و ایزه‌های انتقالی.....
۲۱۴.....	نظریه‌ی سلف‌های کوهات (ST).....
۲۱۶.....	۱- سلف کمتر از حد تحریک شده.....
۲۱۷.....	۲- سلف تجزیه‌کننده.....
۲۱۷.....	۳- سلف بیش از حد تحریک شده.....
۲۱۷.....	۴- سلف بیش از حد تحت فشار.....
۲۱۸.....	اتوکرنگ: تشخیص و برنامه‌ریزی در روان درمانی پویشی.....
۲۱۹.....	برنامه‌ریزی درمانی.....
۲۲۰.....	۱- میزان سازمان‌یافتگی ایگو.....
۲۲۰.....	۲- سبک شخصیتی مراجع که در نتیجه‌ی تثبیت روانی جنسی در مراحل سه‌گانه‌ی رشد ایجاد می‌شود.....
۲۲۱.....	۳- میزان کارکرد سازگاره‌ی مراجع به عنوان کارکردی از میزان سازمان یافتگی ایگو.....
۲۲۲.....	درمان روان‌نژندان به سبک کرنبرگ.....
۲۲۳.....	درمان مرزی‌ها به سبک کرنبرگ.....
۲۲۶.....	جریان‌ات مداخله‌ای در روان‌پویشی (مداخلات روان‌پویشی).....
۲۲۹.....	ترکیب مکاتب روان تحلیلی و روان‌پویشی در تیپ‌شناسی شخصیت.....
۲۳۵.....	فصل ششم: شخصیت بر مدار اضطراب و هیجان.....
۲۳۸.....	شخصیت بر مدار اضطراب.....
۲۳۹.....	تیپ‌شناسی در مکتب انسان‌گرایی.....
۲۴۰.....	انسان‌گرایی و پویایی‌شناسی در شخصیت.....
۲۴۲.....	تیپ‌های شخصیت.....
۲۴۲.....	رضایت ناخواسته.....
۲۴۴.....	نظریه‌ی شخصیت راجرز.....
۲۴۵.....	سلسله مراتب نیازهای مزلو.....
۲۴۸.....	درمان‌های وجودی.....
۲۵۰.....	تیپ‌شناسی شخصیت از نظر یالوم.....
۲۵۲.....	۱- تیپ‌های بیگانه با Mitwelt.....
۲۵۲.....	۲- تیپ‌های بیگانه با Eigenwelt.....
۲۵۲.....	۳- تیپ‌های بیگانه با Umwelt.....

- ۱- انزوای میان فردی ۲۵۲
- ۲- انزوای درونی فردی ۲۵۳
- ۳- انزوای وجودی ۲۵۳
- ۱- چالشگران ۲۵۳
- ۲- کنترل‌گران ۲۵۳
- ۳- متعهدان ۲۵۳
- توصیف و طبقه‌بندی تپ‌های گوناگون شخصیتی بر اساس پویایی‌های وجودی ۲۵۴
- ۱- پویایی‌های برخاسته از تعقیب خاستگاه‌های گوناگون «معنا» ۲۵۴
- ۲- پویایی‌های تضاد میان «درون داده‌های مثبت و منفی وجودی» ۲۵۴
- ۳- پویایی‌های میان ترکیبات گوناگون «انگیزه‌ها» ۲۵۴
- ۴- پویایی‌های برخاسته از تعقیب سطوح گوناگون «نیازها» ۲۵۵
- شخصیت بر مدار هیجان ۲۵۵
- نظریه‌ی هیجان ۲۵۶
- درمان‌های بدن محور و هیجان مدار نوین ۲۵۹
- انواع نشانه‌ها ۲۵۹
- ۱- نشانه‌های سبک شخصیتی ۲۵۹
- ۲- نشانه‌های نوع درگیری ۲۶۰
- الف) نشانه‌های درگیری تجربی با درمان ۲۶۰
- ب) نشانه‌های «درگیری غیر تجربه‌ای» با فرایند درمان ۲۶۰
- ۳- تعیین‌کننده‌های تمرکز درمانی ۲۶۱
- ۴- نشانه‌های فشار (نمایه‌های تکلیفی) ۲۶۱
- الف) نشانه‌های کلامی ۲۶۲
- ب) نشانه‌های غیر کلامی ۲۶۲
- گشتالت درمانی ۲۶۳
- چارچوب مفهومی در رویکرد گشتالتی کلاسیک ۲۶۳
- نظریه‌ی آسیب‌شناسی پرلز ۲۶۵
- ۱- درون فکنی ۲۶۷
- ۲- فراقفنی ۲۶۷
- ۳- به خود بازگردانی ۲۶۸
- ۴- کژروی ۲۶۸

۲۶۸	۵- هم‌آمیزی.....
۲۷۲	تیپ‌شناسی شخصیت در گشتالت درمانی.....
۲۷۲	۱- ناحیه‌ی درونی.....
۲۷۲	۲- ناحیه‌ی بیرونی.....
۲۷۲	۳- ناحیه‌ی میانی.....
۲۷۷	فصل هفتم: شخصیت بر مدار شناختواره.....
۲۸۰	درباره‌ی شناختواره.....
۲۸۲	تیپ‌شناسی در شناخت درمانی.....
۲۸۶	سطوح شناخت: آرون تی‌ک.....
۲۸۹	رابطه‌ی تحریفات شناختی با تیپ‌های شخصیتی.....
۲۹۴	سبک‌های یادگیری.....
۲۹۵	مغز راست و مغز چپ.....
۲۹۹	فصل هشتم: شخصیت بر مدار روابط ثانویه.....
۳۰۱	رویکردهای میان فردی.....
۳۰۲	خلاصه‌ی نظریه‌ی شخصیت هاری استک سالوان.....
۳۰۵	۱- کارن هورنای.....
۳۰۶	خلاصه‌ی عقاید کارن هورنای.....
۳۰۷	الف) حرکت به سوی دیگران (تیپ شخصیتی مطیع).....
۳۰۷	ب) حرکت بر علیه دیگران (تیپ شخصیتی سلطه‌گر).....
۳۰۸	ج) فاصله‌جویی از دیگران (تیپ شخصیتی منزوی).....
۳۱۰	۲- انیگرام: طرحواره‌ی نه مؤلفه‌ای میان فردی.....
۳۱۲	کارن هورنای و انیگرام.....
۳۱۸	یکپارچه‌سازی انیگرام با طرحواره درمانی: روح دادن به روان درمانی.....
۳۲۰	تلفیق سبک‌های دلبستگی و تیپ‌های انیگرام.....
۳۲۳	۳- اریک برن.....
۳۲۳	تیپ‌شناسی شخصیت در تحلیل ارتباط محاوره‌ای.....
۳۲۹	۴- رویکرد فرایند میان فردی تیبر (IPA).....
۳۳۱	• خط سیر تحولی.....
۳۳۲	• موانع محیطی.....
۳۳۲	• پیامد.....

۳۳۲	• راهکارهای سازشی
۳۳۲	- طرد کردن خویشتن
۳۳۳	- طرد کردن دیگران
۳۳۳	فراخوانی طرد در دیگران (بیرون کشیدن طرد از خزانه‌ی رفتاری سایرین)
۳۳۳	• پایداری تعارض هسته‌ای
۳۳۵	۵- درمان بازسازی میان فردی (IRT)
۳۳۷	۱- تمرکز بر دیگری
۳۳۷	۳- تمرکز درون‌فکنانه
۳۴۳	فصل نهم: شخصیت بر مدار اجتماع و یادگیری اجتماعی
۳۴۶	روان‌درمانی و بافتار اجتماعی
۳۵۳	نقش فاکتورهای اجتماعی-فرهنگی در ایجاد اختلالات شخصیتی
۳۵۷	عوامل اجتماعی در شکل‌دهی به اختلالات شخصیت
۳۵۷	۱- اختلال شخصیت ضداجتماعی (ASPD)
۳۵۸	۲- اختلال شخصیت مرزی (BPD)
۳۵۹	۳- اختلال شخصیت خودشیفته (NPD)
۳۶۰	۴- اختلال شخصیت اجتنابی (APD)
۳۶۰	رابطه اختلالات شخصیتی با یادگیری اجتماعی
۳۶۳	آلبرت بندورا
۳۶۵	منابع لاتین
۳۷۱	منابع فارسی
۳۷۳	واژه‌نامه

درباره‌ی تیپ‌های شخصیت

- کانون ذات احدیت، هارمونی و هماهنگی است؛ طبیعت بر مرکز تعادل و تناسبی بی‌انتهای بنیان‌گذاری شده و جلوه‌های وجودی خداوند (همچون کائنات، آدمی و روان آدمی)، جملگی در حرکتی زر به وسعت، به سوی نور ازل‌ی ره می‌سپارند. این جهان، جهانی کامل است؛ در عین وحدت و اوج شگفتی. در نظم آسمانی خطا راه ندارد و هستی، رسیده‌ترین میوه‌ی باغ خداوند است.^۱ در عالم ظاهر، ما آدمیان کثرت‌ها را ادراک می‌کنیم و مرحله‌های کامل نشده‌ی هر چیز^۲ را نظاره می‌نمائیم. حال آنکه در باطن عالم ساختاری جریان دارد در عین وجود و سامان‌یافتگی. در فضای باشکوه و باز هستی، تمامی مخلوقات سوار بر کاروان حیات به سوی کانون نور کشیده می‌شوند و از آنجا که هر مخلوقی از کانون وجودی خالق نشانی دارد، آدمی و روانش نیز به سوی هارمونی و هماهنگی در حرکتند؛ حرکتی از کبر به واحد...

باز در آمد به بزم مجلسیان دوست دوست	گرچه غلط می‌رسد نیست غلط اوست اوست
گاه خوش خوش شود که همه آتش شود	تعبیه‌های عجب یار مرا خوست خوست
نقش وفا وی کند پشت به ما کی کند	پشت ندارد چو شمع او همگی روست روست ^۳

- با طلوع هر سپیده‌دم آگاهی همه چیز بیشتر می‌گردد... و چنانچه ایمان به کاربلدی گرداننده‌ی دهر را درونی کرده باشیم آرام خواهیم گرفت؛ چرا که در این صورت می‌پذیریم همه چیز همان است که باید باشد^۴... و با درون‌سازی پذیرش است که سازندگی وجودی آغاز می‌شود. ایمان به نظم آسمانی و اعتقاد به آنکه هدف خلقت هماهنگ ساختن خالق با مخلوق و تطبیق این دو نظام همبسته به یکدیگر است، گویی آدمی را به کانونی ایمن در درون وصل می‌سازد. لحظه‌های هارمونی وجود با طبیعت،

۱. خلیل جبران (ترجمه نجف دریابندی)

2. chaos

۳. مولانا

۴. مارک فیشر (ترجمه گیتی خوشدل)

لحظه‌های شادمانی حقیقی‌اند^۱ و این همان مقامی است که روح‌های به معراج رفته بدان دست یافته‌اند: مقام امنیت و رهایی به دلیل وصال دائم و درونی شده با معشوق:

ز تو هر هدیه که بردم به خیال تو سپردم که خیال شکرینت فر و سیمای تو دارد^۲

- تسلیم شادمانه به نظم‌مندی حیات و سخت‌کوشی نرم جهت متوازن گردیدن^۳ همچون کانون، تنها از رهگذر حضور در جایگاه اعتماد میسر می‌گردد؛ اعتماد به اینکه هستیم چون باید که می‌بوده‌ایم. و به واسطه‌ی چنین تغییر نگاهی، نگاه ما به کلیه‌ی عناصر وجود (خویش، تن، سایرین، دشواری‌های زندگی، ...) نیز می‌تواند که دگرگون شود...

ماز بالانیم و بالا می‌رویم ماز دریاییم و دریا می‌رویم
ما از آنجا و از اینجا نیستیم ماز بی‌جاییم و بی‌جا می‌رویم
قل تعالی آیتی‌ست از عذب عشق ما به جذبه‌ی حق تعالی می‌رویم^۴

- پس از درک چرایی هستی، شاید بتوانیم با خرد و شور، خویش‌شناسی کرده افزایش تدریجی آگاهی‌مان را نظاره نماییم. نو شدنِ دم به دم ما به واسطه‌ی تجربه‌ی خویش‌شن، تجربه‌ی آدم‌های دیگر، تجربه‌ی فراز و نشیب‌ها، تجربه‌ی عشق‌ها و از دست دادن‌ها و تجربه‌ی همه‌ی آنچه که هست پدیدار می‌گردد. پس چه نیکوست که نگاه زلال و یکپارچه‌ای به همه‌ی این تجارب پیدا کنیم: روان من به مقصد توازن در راه است؛ سایرین هر یک زنجیره‌ای در مسیر یادگیری من‌اند (با تمام نواقص شخصیتی‌شان) و دشواری‌های زندگی نیز برآند تا مرا به آماج ابدی حیات پیوند دهند؛ به دستیابی به توازن:

یونسی دیدم نشسته بر لب دریای عشق گفتمش چونی جوابم داد بر قانون خویش
دی منجم گفت دیدم طالعی داری تو سعد گفتمش آری ولیک از ماه روزافزون خویش^۵

۱. هگل

۲. مولانا

۳. مولانا

۴. مولانا

- دشواری‌های زندگی هر انسان مطابق و هماهنگ با نواقص شخصیتی خود او برایش حاضر می‌شوند؛ خیاط چیره‌دست طبیعت، پارچه‌ی دشواری‌های زندگی را دقیقاً در هارمونی با برجستگی‌های منفی قامت روانی هر یک از ما برش می‌دهد... مشکلات شخصیتی ما، وجودمان را به درد می‌افکنند و دردها شکستن پوسته‌هایی‌اند که خرد و آگاهی‌مان را دربرداشته‌اند. درون‌مایه‌های ناکارآمد منش، اضطراب و آشفتگی می‌سازند اما نه با هدف گرفتار نگه داشتن آدمی در چنگال شیطان‌های یأس و هراس. درون‌مایه‌های مذکور برآیند تا ما را به قلعه‌ها و دره‌های خویش‌نمان و به ارتفاع و عمق نهادمان نزدیک سازند. نواقص شخصیتی هر انسان برایش رنج به ارمغان می‌آورند تا سرانجام بتوانند کش‌مکش عناصر وجود را به یگانگی و هماهنگی برسانند. نایکپارچگی‌ها حاضر می‌شوند، چون ما در درون حاضر نیستیم:

فرو شدن چو بدیدی برآمدن بنگ / طلوع شمس و قمر را چرا زیان باشد
کدام دانه فرو رفت در زمین که نرسد / چرا به دانه‌ی انسانیت این گمان باشد^۱

- بر این باورم که تیپ‌های شخصیتی، فصل‌های رفتارند و همان‌گونه که هر رویداد فصل خاص خودش را دارد و در زمان تعیین‌شده‌ای اتفاق می‌افتد، تیپ‌های منش نیز یکی پس از دیگری بر درخت روان ما می‌نشینند و شاخسار روحمان را به تجربه‌های گوناگون میهمان می‌کنند: فرو افتادن و زیر پا گردیدن (خزان)، حرارت و تند (تابستان)، سرما و مرگ و دلمردگی (زمستان) و سرانجام تولدی دوباره و سربرآوردن به سوی آفتاب بهاری. می‌بینید؟ در طبیعت باشکوه نیز، پس از فروافتادن‌ها، حرارت‌ها و جنبش‌ها از راه می‌رسند و پس از تجربه‌ی مرگ خویشتن دیروز، خویشتن جدیدی شکوفه می‌زند؛ می‌توان هنگام غرقه گردیدن در سرمای جهل وجودی، که همه‌ی رنگ و دل‌انگیزی‌های دیروزمان را با خود به تاراج می‌برد، روح زندگی را از دست نداد؛ درخت در اوج سرمای زمستان همه چیزش را از دست می‌دهد به جز روح زندگی و به همین خاطر است که دگر بار سبز می‌گردد^۲. کاستی‌های شخصیت ما آدمیان - که در هر تیپ شخصیتی به

گونه‌ای خاص پدیدار است- بخشی از نظم‌مندی حیات‌اند و چونان ابرو تند باد و مه از آسمان وجودی‌مان گذر خواهند کرد... آن‌ها می‌گذرند و آنچه بر جای می‌ماند همان آسمان (خویشتن) است؛ آسمانی که تجربه کرده و تجربه کرده و به سوی رسیدن به حداکثر آگاهی، وسعت ابدی می‌یابد.

- تیپ‌های شخصیتی، هر یک درجه‌ای از بودن‌اند و میزان ویژه‌ای از آگاهی را در بطن دارند. هر تیپ شخصیت چونان گستره‌ای است ذاتاً روشن که سایه‌های برجسته و تیره رنگی را نیز بر خود پذیرفته. برجستگی‌های تیره به نواقص و ناکارآمدی‌های منشی می‌مانند. با گذر زمان که شخصیت‌ها به واسطه‌ی گشتالت‌های زندگی و از طریق آزمون و خطا معانی نوینی را فرامی‌گیرند، برجستگی‌ها نیز با گستره‌ی زمینه و بافتار سپیدشان همسان گردیده، و تیرگی‌ها به مرور به سپیدی آگاه‌تر شدن رنگ می‌بازند... با از میان رفتن تیرگی‌های دیرین، برجستگی‌های خاکستری جدیدی- اما با کیفیتی پرمایه‌تر از میزان آگاهی وجودی- در گستره‌ی شخصیت و روان پدیدار خواهد شد. این‌ها نیز محک زمان را تجربه کرده، فرسایش می‌یابند و باز به سپیدی زمینه رنگ درمی‌بازند. و آدمی آنقدر نوع‌های گوناگونی از بودن را تجربه می‌کند تا سرانجام سپید سپید گردیده...، تقرب به آگاهی برتر را تجربه می‌کند. شاید صورتگر چیره‌دست آفرینش قصد داشته تا ما آدمیان را پس از تجربه‌ی بخش‌های وحشی و طبیعی وجودمان به خدایگونگی برساند؛ به سپیدی، به رهایی، به توازن.

- چه بسا که تیپ‌های شخصیتی تنها نوعی حجاب معرفتی باشند که با فروافتادن تدریجی پرده‌های نقص و جهل به هم می‌آمیزند و تکامل می‌آفرینند:

درخت و آتشی دیدم ندا آمد که جانانم	مرا می‌خواند آن آتش مکر موسی عمرانم
مپرس از کشتی و دریا بیا بنگر عجایب‌ها	که چندین سال من کشتی در این خشکی همی رانم
زمانی می‌چرم اینجا زمانی می‌چرند از من	گاهی گرگم گاهی میشم گاهی خود شکل چوپانم ^۱

- گشتالت زندگی با هدیه‌ی فصل‌های مختلف (تجربه‌ی حالات شخصیتی گوناگون) در سال عمر درخشانی، ما را به انسجام خواهد رساند. با چنین نگاهی شاید بتوانیم در دل هر

خزان رویش بهاران را نیز ادراک کنیم و آرام گیریم. روح‌های ما سرانجام شکفته خواهند شد.... مانند نیلوفری آبی که گلبرگ‌هایی بی‌شمار دارد. طبیعت در طول هزاران هزار تجربه‌ی درد و سعادت که بر دوشمان می‌گذارد ما را پخته خواهد کرد. تنها زمانی که اجازه دهیم هستی برنامه‌ی خودش را روی ما اجرا کند، قادر خواهیم بود برای تولد دوباره‌مان در لحظات، تلاشی سازنده نماییم.

- شناسایی بخش‌های گوناگون وجود- چه در خویشتن و چه در سایرین-، علاوه بر مزیت خودآگاهی، خود فراترروی را نیز تسهیل می‌کند. شخصیت‌شناسی می‌تواند موجب شود که چشمان ما عمیق‌تر دیدن را یاد بگیرند و در مواجهه با کاستی‌های وجودی سایرین به یادمان بیاورند که دیگران، همه و همه، در مسیر یادگیری‌های مخصوص به خود اند. وقتی شخصیت‌شناسی از خطه‌ی محفوظات فراتر رود، جدا از وسعت‌آفرینی در نگاه، ما را به درکی بشردوستانه نیز رهنمون خواهد شد. فراسونگری بر تیپ‌های شخصیت آدمی سبب می‌گردد که هم‌خویشتنی و هم‌رویی‌مان با نوع بشر را باور کنیم. هر بخش از شخصیت من که امروز بر روانم اثرگذاری می‌کند و هم امروز در وجود تو خاموش مانده، شاید که فردا روز بر روح تو سایه افکند. ژانگاری روی درون‌مایه‌های شخصیتی آدمیان، بر ما روشن می‌سازد که در زندگی همه چیز به هم پیوسته است و با گم شدن قطره‌ای آب، تمام هستی تشنه می‌گردد. چنین نگاهی در تمام لحظات پیوند ابدی ما آدمیان با یکدیگر و با کانون هستی را به یادمان می‌آورد:

تیغهی یک گیاه به یک برگ پاییزی گفت:

هنگام افتادن چه سروصدایی می‌کنی. همه‌ی رویاهای

زمستانی مرا به هم می‌ریزی.

برگ برآشفته و گفت:

ای فرومایه‌ی فرونشین! تو در هوای بالا زندگی نمی‌کنی و از

صدای آواز چیزی نمی‌فهمی.

آنگاه برگ پاییزی روی زمین خوابید و به خواب رفت. چون

بهار رسید باز بیدار شد و یک تیغهی گیاه بود!

بر هیچ‌یک از ما پوشیده نیست که روان‌درمانی، مشاوره و شخصیت‌شناسی نیز در نهایت برآنند تا مایه‌هایی از اخلاق و بشردوستی را درون‌مایه‌ی ظرفیت‌های روح آدمی نمایند. شخصیت‌شناسی هر قدر عمیق‌تر صورت گیرد، شخصیت‌شناس بیشتر متوجه می‌شود که ما هم‌رواحان با یکدیگر سنخیتی ازلی داریم. ما هم‌رواحان در کنار یکدیگر و صف بسته، به سوی خویشتن خدایی‌مان گام برمی‌داریم. به سوی تعادل و تناسب مطلق؛ به سوی هارمونی و هماهنگی:

روزها فکر من این است و همه شب سخنم	که چرا غافل از احوال دل خویشتنم
از کجا آمدم بهر چه بود	به کجا می‌روم آخر نمایم وطنم
خنک آن روز که پرواز کنم تا بر دوست	به امید سرکوش پر و بالی بزنم
نه به خود آدم اینجا که به خود باز روم	آنکه آوزد مرا باز برد تا وطنم ^۱

با احترام

بی‌تا حسینی ☒ اردیبهشت ماه ۱۳۹۱